

رایگان

ماهنامه  
مستقل  
دانشجویی  
فرهنگی  
اجتماعی

# چرخه

مرداد ۱۴۰۰  
هجدهم



# تئوری ارزش کار

دیگر سرنواشته‌ها:

صنعت  
سانسور  
فرشاد گونری

امیر حسین ناظمی

Johnson Miller



POST FEB. 15 TO FEB. 28

WAR PRODUCTION CO-ORDINATING COMM

زمینه انتشار ماهنامه:  
**فرهنگی-اجتماعی**  
سیاسی، اقتصادی، هنری، ادبی، علمی

دانشگاه صادرکننده مجوز:  
**دانشگاه تهران**

مدیرمسئول:  
**فاطمه سادات موسوی**

صاحبامتیاز | طراح | صفحه آرا |  
**محمدامین عبیدی قمی**

ویراستاران:  
**علیرضا قادرمیهنی**  
**پرهام نکوطلبان**

سردبیر:  
**علی نظری حقیقی پاشاکی**

تصاویر و آثار هنری:  
**محمدامین عبیدی قمی**



تاریخ انتشار این شماره:  
**۳۱ مرداد ۱۴۰۰ - شماره هجدهم**

[CharkheSJ.ut.ac.ir](mailto:CharkheSJ.ut.ac.ir)

@Charkhe\_ut

  
Charkhe



# بسم الله الرحمن الرحيم

بناهم پروردگار ايرانزمين

شر: شَر، مخالف خير، اسمی است جامع رذایل، خطاها، بدی‌ها، فساد و ظلم.

بشر در عصر کنونی در چنان هاله‌ای از مفاهیم، همچون، خير و شر، خوبی و بدی و ضرر و منفعت قرار گرفته است که پاسخ به سوال ساده‌ای هم‌چون شر چیست؟! گاه سخت و دشوار است.

هانا آرنه جهان‌روایی کنونی بشر را مبتلا به ابتذال شر می‌داند و فقدان قدرت تعقل در انسان را منشأ شر معرفی می‌کند. از خود بیگانه شدن مردم و تمایل به دست یازیدن به یک ایدئولوژی و همسان‌سازی دیگر افراد جامعه از اهداف اساسی نظام‌های تمامیت‌خواه است.

دیگر وجه شر در شخصیت ابلیس کتاب برادران کارامازوف نمایان است. او به نحوی شاعرانه و زبان فلسفی شخصیت رو در روی خود را مجاب می‌کند که «همه چیز مجاز است». باورپذیری شخصیت و رفتار ابلیس وجه بارز اوست. او با تاکید بر من درونی ( و نه انکار ایمان به خدا) و لزوم ایمان به آن انسان را درگیر شک و تردید می‌کند.

در جایی ابلیس می‌گوید اگر همه چیز در جهان معقولانه بود هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. در واقع داستایوفسکی شر را از مفهوم کهن خود دور کرده و به آن روح زندگی عطا کرده، روحی که در جهان مدرن همه چیز را مجاز می‌داند و در عین حال آزادی را می‌طلبد.

حال باید دید در همسایگی ما، ایران، طالبان همان ابلیسی (شری) است که در ۲۰ سال گذشته فرصت کرده تا روح زیستن را در خود بیابد؟

**در میهن من ترانه را راهی نیست \* خود ارزش آدمی پر کاهی نیست  
بر گستره سیاه این بی‌خردان \* ای دوست! مجال گفتن آهی نیست...**

لطیف پدرام شاعر و سیاستمدار خراسانی (افغانستانی)

## اعتصاب کارگران در ویسکایا (شمال اسپانیا)

ویسنه کوتاندا



۱۰ دقیقه

# تئوری ارزش کار

امیرحسین ناظمی

صنعت نفت اهواز



کرد. همچنین یک کالا باید توانایی رفع و ارضای یک نیاز یا خواسته‌ی انسان را داشته‌باشد که خود منشأ ارزش یک کالا است. به بیانی دیگر، کالایی که در جامعه کاربرد و استفاده‌ای نداشته‌باشد فاقد ارزش است و نمی‌توان آن را خرید و فروش کرد. کالاهایی مانند جواهر

از نظام کاپیتالیست است، پس معنی بسیار گسترده‌ای خارج از نظام کاپیتالیستی دارد و از آن جایی که منظور از کالا مفهوم آن در نظام کاپیتالیستی است، مارکس تعریف دقیق محکمی برای کالا ارائه نداده‌است. برای درک بهتر باید به کالا به‌عنوان جسمی که دارای ارزشی است نگاه

کارل مارکس در ابتدای کتاب سرمایه (Das Kapital) به بررسی مفهوم کالا (commodity) می‌پردازد. با بررسی این مفهوم می‌توان به پیچیدگی طبیعت درونی آن پرداخت و با درک کالا و ارزش آن می‌توان درک بهتری از کاپیتالیسم و ضررهای آن به‌دست آورد. مفهوم کالا فراتر



کاری است که بر روی کالا انجام می‌شود. در این زمینه مارکس درباره‌ی مفاهیم کار **حقیقی (نیازمند اصطلاح بهتر)** و کار انتزاعی<sup>۱</sup> سخن می‌گوید. به بیان ساده، کار حقیقی کاری است که در کارخانه‌ها و محل‌های کار به‌وسیله‌ی کارگران انجام می‌شود. کار انتزاعی مفهومی بس پیچیده‌تر دارد. در زمان دادوستد دو کالا با یکدیگر، متوجه تفاوت کیفی این دو کالا می‌شویم؛ همچنین

مارکس کاری را که توسط کارگر در بازه‌ی زمانی خاصی برای تولید یک کالا صرف شده مبنای ارزش آن کالا می‌داند. در ورای هر کالایی تعدادی کارگر هستند که مدت زمانی را صرف ساخت آن کالا کرده‌اند و آن کار است که باعث کارآمدی آن کالا و در نتیجه ارزش آن است. برای نمونه، در دادوستد کالا با کالا می‌توان کار را در خود کالا به عنوان منشأ ارزش کالا مشاهده کرد.

قدم بعدی شناسایی نوع

یا تابلوی نقاشی نیاز اساسی انسان را برطرف نمی‌کند اما با این حال دارای ارزش است چراکه مردم خواهان آن هستند و خواسته‌ی انسان را برطرف می‌کند.

اما چه چیز ارزش کالا را تعیین می‌کند؟ مارکس خصوصیتی مشترک بین همه‌ی کالاها را مشاهده می‌کند و بیان می‌کند که میزان ارزش هر کالا نشئت‌گرفته از این عامل است. درحقیقت، هر کالایی حاصل کار انسانی است و

۱) Concrete and Abstract Labour

# کارگران ساختمان امپایر استیت نیویورک

چارلز کلاید ایت



دو کالا را که هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی با یکدیگر تفاوت دارند نسبت به هم سنجید. مبادله کالا با کالا در عصر مدرن منسوخ شده است. باری مارکس این نمونه را برای بیان ساده تر استدلال خود به کار می برد سپس به بیان مفهوم پول یا ارز می پردازد. به طور خلاصه، ارز نیز کالایی مانند

کیسه برنج برابر سه ظرف فلزی باشد. تنها عامل مشترک بین این دو کالا کاری است که برای تولید آنها صرف شده که به این نوع کار کار انتزاعی گفته می شود. در واقع به دلیل همین عامل مشترک است که صورت گرفتن مبادلات کالا با کالا امکان پذیر است. وگرنه به هیچ وجه نمی توان

تفاوت کمی در میزان کار صرف شده برای تولید هر کدام از این دو کالا وجود دارد که این کار در درون کالا نهفته است. ممکن است کار لازم برای تولید یک کالا با کالایی دیگر برابر نباشد. برای نمونه فرض کنید که از این دو کالا یکی کیسه ای برنج و دیگری ظرف فلزی است که ارزش یک



ماهیت و کیفیت آن تغییری نمی‌کند بنابراین ارزش آن نیز ثابت است اما از نظر کمیت، کارگر ماهر می‌تواند تعداد بیشتری ظرف را در بازه‌ای مشخص تولید کند و بدیهی است که هرچه تعداد کالای تولیدی بیشتر باشد، کالای بیشتری به فروش می‌رسد و در نتیجه درآمد بیشتری به دست می‌آید. مورد دیگر مؤثر در ارزش کالا، **ارزش مصرفی و ارزش مبادله‌ای**<sup>۳</sup> است که زیرمجموعه‌ی ارزش یک کالا هستند که برای بررسی دقیق ارزش کالا باید فهمیده شود. در واقع، ارزش مصرفی ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری یک کالا است و قابلیت رفع نیاز و خواسته‌ی انسان به این ویژگی‌ها بستگی دارد. در طرف دیگر ارزش مبادله‌ای فیزیکی و ظاهری نیست بلکه ارزشی است که در هنگام مبادله کالا بیان می‌شود و با کار انتزاعی که مورد بحث واقع شد ارتباط دارد. برای تشخیص این دو از یکدیگر باید به وجه قیاس آن‌ها

ساخت یک ظرف می‌باشند. این فرایند برای یکی چهار ساعت طول می‌کشد و برای دیگری شش ساعت. این به این معنی نیست که ظرف دوم ارزش بیشتری دارد. چیزی که ارزش کالا را معین می‌کند زمان کار انجام‌شده توسط یک فرد به‌خصوص نیست بلکه **زمان کار اجتماعی لازم**<sup>۲</sup> برای تولید کالای مزبور است. به دیگر سخن، اگر با در نظر گرفتن مقدار متوسط مهارت و شدت کار و همچنین قابلیت‌های تولیدی یک کارخانه، به‌طور میانگین، تولید یک ظرف پنج ساعت طول بکشد، پس قیمت همه‌ی ظرف‌ها همین اندازه برآورد می‌شود که این پنج ساعت مقدار میانی بین چهار ساعت کار با مهارت و شدت بالا و شش ساعت کار با مهارت و شدت کمتر است. این بدین معنی است که کارگر ماهر ظرف‌ها را با سرعت بیشتری نسبت به کارگر دارای مهارت کمتر تولید می‌کند. خود کالای مدنظر، ظرف، ثابت است و

باقی کالاها است که کاربر آن در دادوستد است و به‌عنوان کالای میانجی عمل می‌کند. پس با این دید نسبت به ارزش آگاه می‌شویم که این نظریه در تجارت مدرن نیز صدق می‌کند.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا کار کارگری حرفه‌ای با کار کارگری تازه‌کار یکی است؟ به‌هیچ‌وجه. منظور مارکس از معرفی کار به‌عنوان عاملی کلی و همگون مبنای ارزش این نیست که هر کاری با دیگری همگون و برابر است و باید شدت، مهارت و کیفیت کار را نیز در نظر گرفت. مثلاً، کسی که دیوار رنگ‌شده‌ای را با همان رنگ، رنگ می‌کند کارش نتیجه‌بخش نیست و ارزشی ایجاد نمی‌کند و نمی‌تواند این کار بی‌هوده را با کار ثمربخش کارگری دیگر یکی دانست. برای رفع این ابهام باید بحث کار حرفه‌ای و کار مبتدی را بسط داد. برای نمونه یک کارگر حرفه‌ای و یک کارگر مبتدی را تصور کنید که هر دو در حال

۳) Use value and Exchange value

۲) Socially necessary labour time

## بنی اسرائیل در مصر

ادوارد پوینتر

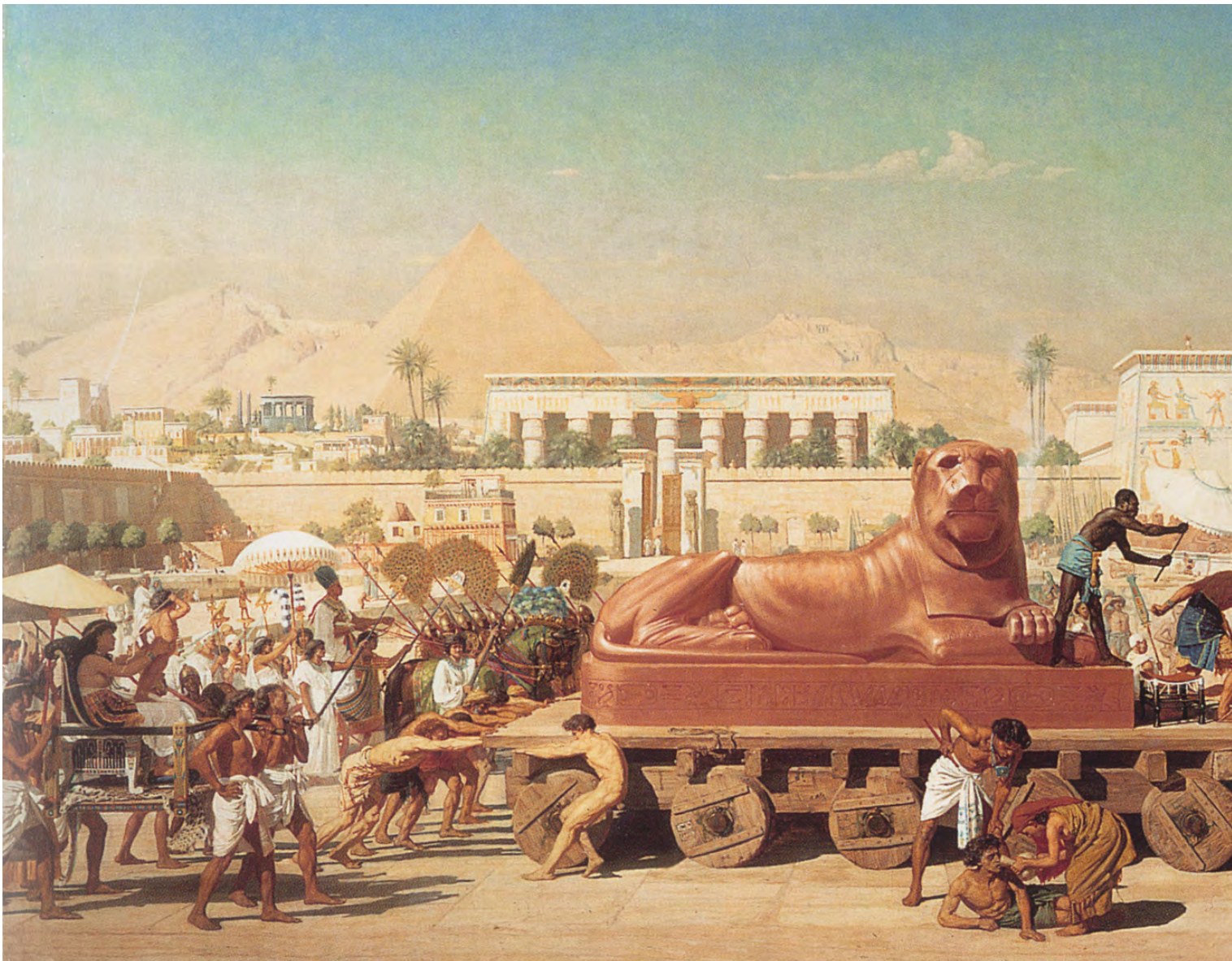


با یکدیگر پی می‌بریم. این مفاهیم کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند اما در عین حال به یکدیگر مرتبط هستند و بدون وجود یکی، باقی نیز نمی‌توانند وجود داشته‌باشند. چگونه کالایی که ارزش مصرفی ندارد، یعنی قابل استفاده نیست، می‌تواند مشتری و خواهان داشته‌باشد

کاملاً متفاوت است. حال اگر ارزش این کالاها را در بازار بررسی کنیم، می‌بینیم که تنها تفاوت موجود در ارزش این کالاها در مقدار زمان صرف‌شده به‌وسیله کارگر برای تولید این کالاها است. با توجه به ارزش، ارزش مصرفی و ارزش مبادله‌ای یک کالا به رابطه‌ی این مفاهیم

توجه کرد. در حقیقت ارزش مصرفی را می‌توان با تفاوت کیفی یک کالا با کالایی دیگر فهمید در حالی که ارزش مبادله‌ای را می‌توان از تفاوت کمی یک کالا با کالا دیگر فهمید. برای مثال، کیفیت یک ظرف کاملاً با کیفیت یک لباس تفاوت دارد یعنی جنس، شکل و ظاهر آن‌ها

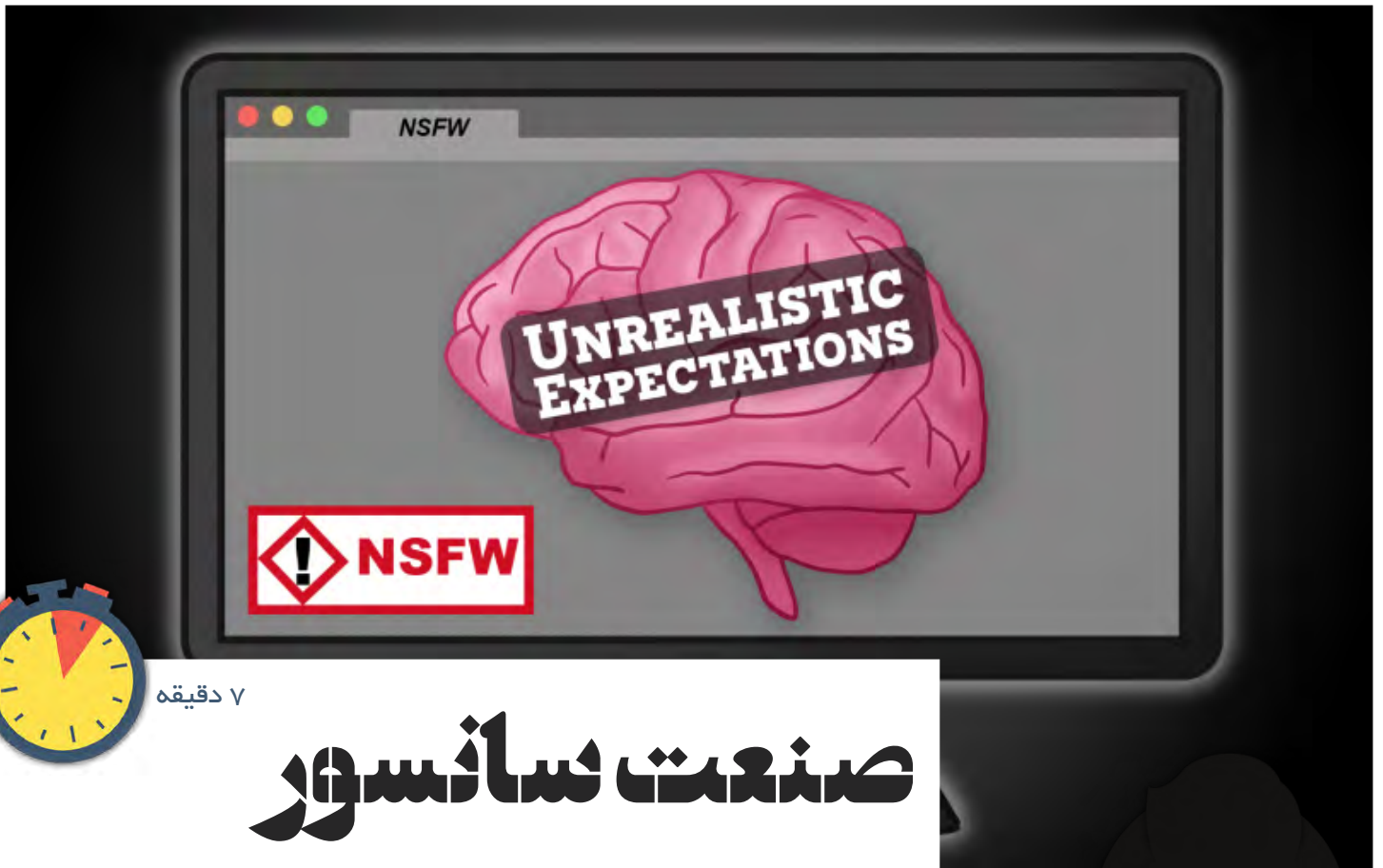




از ارزش مصرفی و مبادله‌ای تشکیل شده‌است که با وجود تفاوت بین این دو کاملاً به یکدیگر ربط دارند و بدون وجود یکی دیگری نیز وجود نخواهد داشت و به همین سبب می‌توان گفت که بین این دو نوع ارزش رابطه دیالکتیکی وجود دارد.

متوجه شد که ارزش یک کالا نشئت گرفته از کاری است که به وسیله‌ی کارگران برای تولید آن کالا به کار برده شده‌است. همچنین متوجه تفاوت بین کار انتزاعی و کار حقیقی شدیم و تأثیر آن در تولید کالا بررسی شد. در مطالعه‌ی عمیق‌تر ارزش کالا دانستیم که ارزش یک کالا

و در بازار به فروش برسد (مثلاً، یک صندلی شکسته). بنابراین کالایی که قابل به کار بردن باشد دارای ارزش مبادله‌ای است و می‌توان آن را خرید و فروش کرد که این بیان‌کننده‌ی رابطه‌ی دیالکتیکی بین انواع مختلف ارزش‌ها است. بدین ترتیب می‌توان



۷ دقیقه

# صنعت سانسور

فرشاد گودرزی

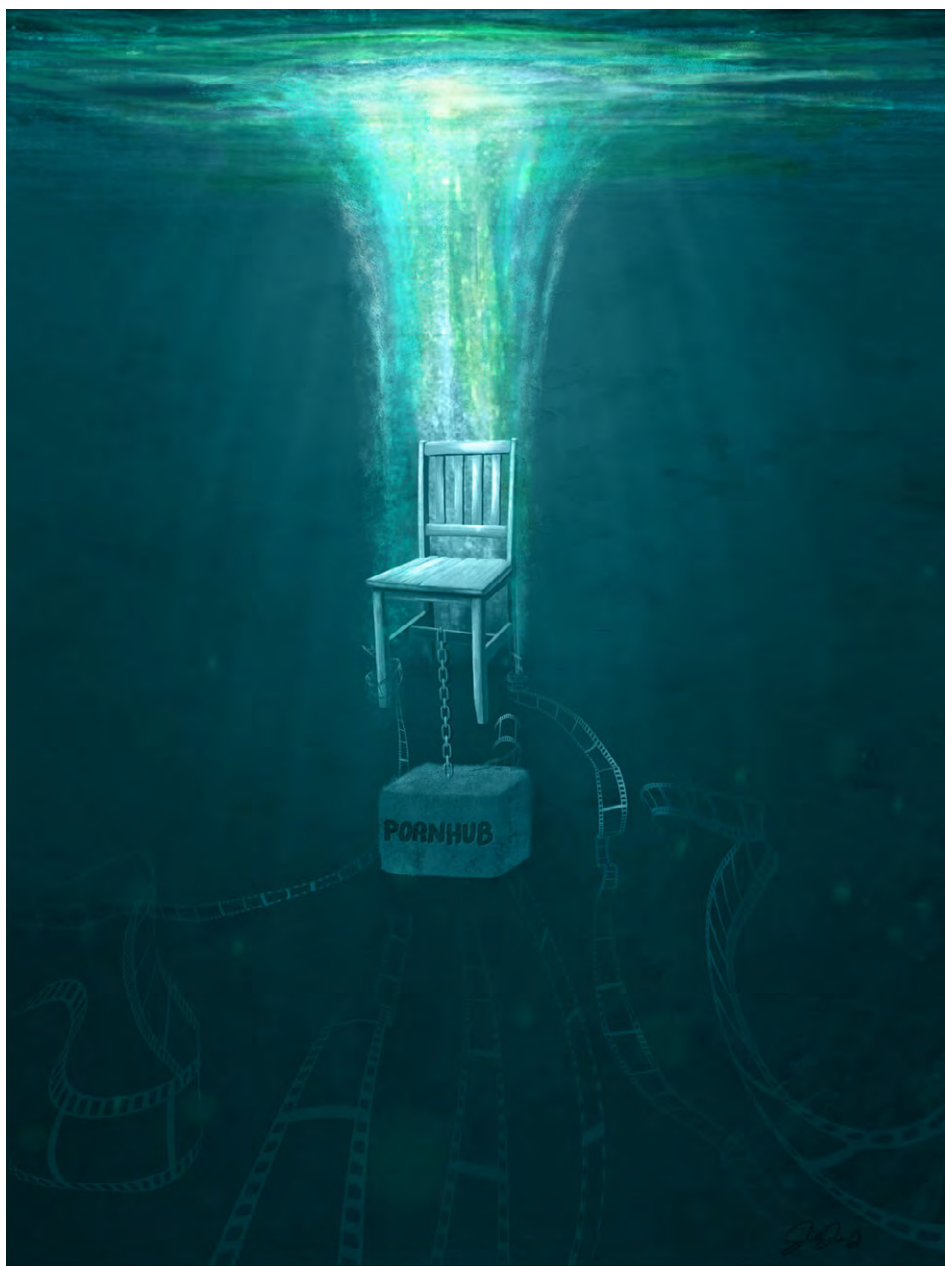
دانشگاه آیت الله بروجردی

در رابطه با مسائل جنسی «مفهوم هرزه‌نگاری یا پورنوگرافی» می‌باشد. این مفهوم قدمتی بسیاری دارد. واژه پورنوگرافی ریشه‌ای یونانی دارد و به معنای «توصیف فعالیت روسپی‌ها» است. پورنوگرافی را می‌توان در دو دسته مورد مطالعه قرار داد، دسته اول شکل سنتی است

از دیر باز اندیشمندان و صاحب نظران بسیاری به تحلیل و بررسی مسائل جنسی پرداخته‌اند، بارزترین نمونه آن هم زیگموند فروید روانشناس اتریشی است که عمارت نظری خود را بر مبنای مسائل جنسی بنا نهاده است. یکی از مفاهیم بسیار مهم

از سپیده دم تاریخ تا عصر حاضر، بشر همواره در پی رفع نیازهای خود بوده است، نیازهای انسان بسیار متنوع و گاه پیچیده است. مسائل جنسی و رفع نیازهای جنسی هم به طور طبیعی در وجود انسان‌ها بوده و رفع نیازهای جنسی همواره یکی از اهداف اساسی انسان‌ها بوده است.

جدیدی کرد. باید اذعان کرد که پورنوگرافی یکی از شاخه‌های بسیار مستحکم و سازماندهی شده صنعت فرهنگی است و عامل پیش برنده آن تبدیل کردن سکس به عنوان یکی از نیازهای اساسی بشر به یک کالا است و از آنجا که سکس همواره با نوعی تسلسل کالا مرتبط بوده است، صنعت پورنوگرافی به نحو افراطی تری تمایلات جنسی انسان را با منطق سرمایه‌داری پیوند می‌زند. مارکس در کتاب سرمایه تاکید می‌کند، سرمایه‌داری در بردارنده‌ی روش‌های استثمار است که با اشکال مختلف کالا هماهنگی داشته باشد و از این طریق روابط اجتماعی را در روابط تولید کاپیتالیستی، ادغام کند. تمام اشکال پورنوگرافی در برگیرنده نوعی عینیت‌بخشی هستند، چرا که مفاهیم انتزاعی انسانی را به ماشین تبدیل می‌کنند تا شهوت جنسی را به تصویر بکشند و توجهی ندارند که چنین فرآیندی توسط زنان یا مردان یا برای زنان یا مردان صورت می‌گیرد.

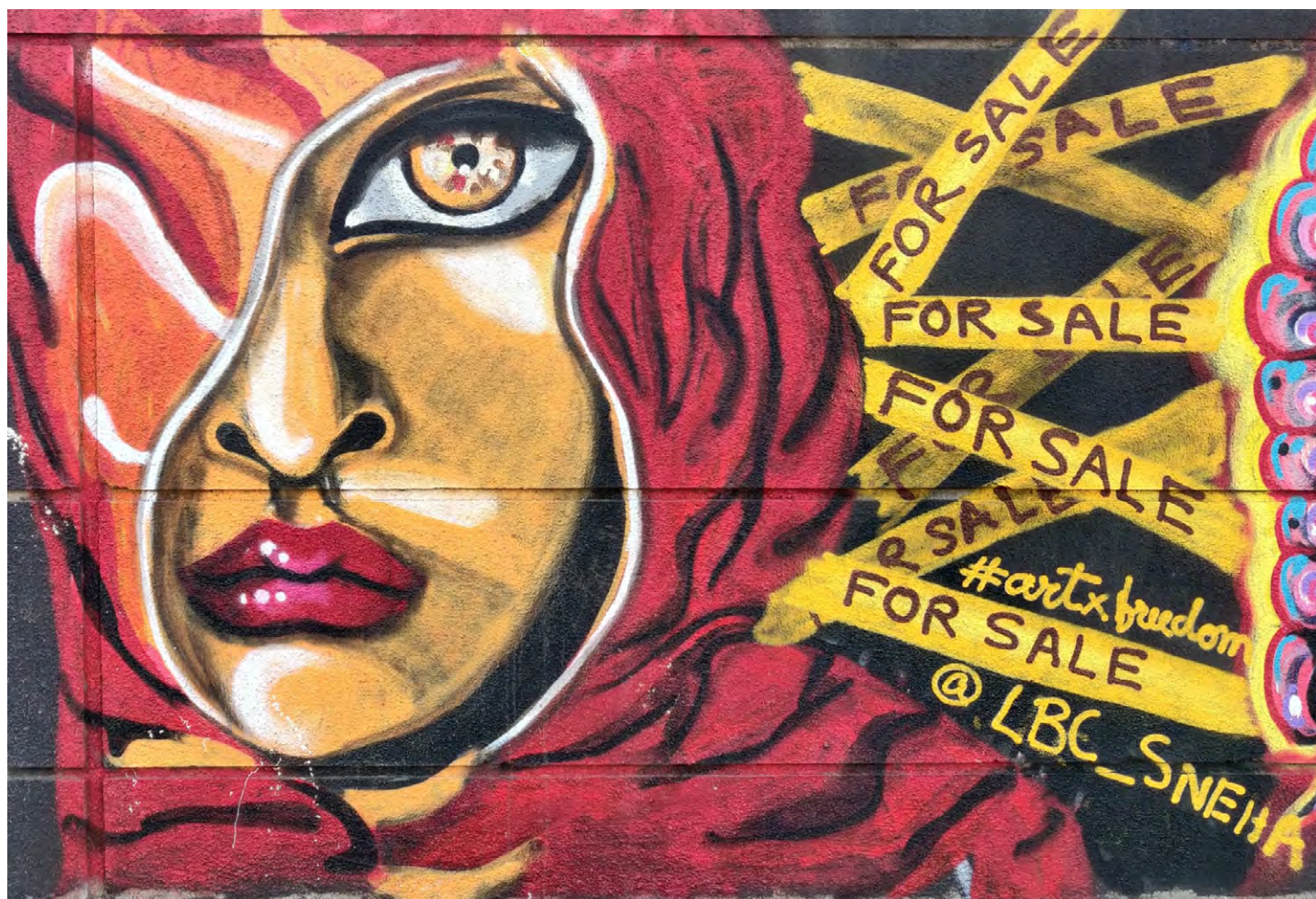


عنوان یک ارزش والا پرستیده می‌شود، جنسیت در رأس مسائل جامعه مصرفی قرار دارد. ظهور رسانه‌ها در عصر انقلاب دیجیتال در سال ۱۹۷۰ و ابزار شدن آن‌ها در دست نظام سرمایه‌داری مسائل جنسی را وارد فاز

که بر روی دیواره‌ها و اجسام به شکل نقاشی بوده است و شکل دوم مجازی است که خاص عصری است که ما در آن زندگی می‌کنیم. باید پذیرفت در عصر حاضر که رسانه‌ها سیطره عظیمی بر زندگی ما دارند و مصرف به

## دیوارنگارهای در پونه، هندوستان

سنیها چاکرابوردی



و مدل‌های جنسی قابل قبولی ارائه نماید.

نظام سرمایه‌داری با کالایی کردن جنسیت این بار انسانیت و ارزش‌های والای انسانی را نشانه گرفته است و در راستای رسیدن به این هدف بسیار موفق بوده است. برای اثبات این ادعا کافی است به آمارهای تاپ تن نیوز توجه کنیم که اشاره به این دارد که ۱۲ سایت از کل وب سایت‌های جهان

می‌شود پورنوگرافی، پوشش هیچ چیز نیست. پورنوگرافی ایدئولوژی نیست، حقیقتی را پنهان نمی‌کند. بلکه یک وانموده است. جلوه‌ای حقیقی است که عدم وجود حقیقت را پنهان می‌کند. پورنوگرافی می‌گوید: سکس خوب در جایی باید وجود داشته باشد، چرا که من کاریکاتور آن هستم. با وقاحت مضحک‌ش تلاش می‌کند تا حقیقت سکس را ثابت نماید

به عقیده ژان بودریار اندیشمند فرانسوی یکی از حوزه‌هایی که فراواقعیت‌ها به شدت در آن‌ها رسوخ کرده‌اند، مسائل جنسی و به طور ویژه صنعت پورنوگرافی است. از نظر بودریار سرمایه‌داری به دو دلیل مقصر است، اول به خاطر دستکاری در سکس تا مبارزات طبقاتی را جدا نماید و دوم تباه کردن سکس با کالایی کردن آن. به همین دلیل گفته

فیلم‌های پورن با آن روایت‌های مسخرشان، احمق‌تر بود. در پورنوگرافی ما به طرز بسیار واضحی با نوعی سانسور طرف هستیم و این سانسور احساس فرای عمل جنسی است. شما مجبورید آن احساس را سرکوب کنید و فقط یک عمل جنسی را ببینید یا شما همه چیز را می‌بینید اما اجازه ندارید که احساس خود را درگیر کنید و این تراژدی پورنوگرافی است. یعنی جایی که تلاش می‌کند در واقعی‌ترین شکل ممکن خود را نشان دهد و مجبور است فانتزی و تخیل را در کمترین سطح ممکن حفظ کند.

در نهایت باید بدانیم که در عصر حاضر پورنوگرافی از جانب سرمایه‌داری تبدیل به یک تکنولوژی رسانه‌ای (سکس رسانه‌ای شده) است و هدفی جز تخریب نظام فکری، عقیدتی و فروپاشی اخلاقیات ندارد و نظام سرمایه‌داری واقعیت جنسی زندگی انسان‌ها را که یک نیاز اساسی است به شکل یک سانسور بزرگ برای ما به نمایش می‌گذارد.

سرمایه‌داری اینقدر پر رونق باشد؟ اصلا تا به حال با خودمان فکر کرده‌ام که چرا باید پای چنین فیلم‌هایی بشینیم و از دیدن آنها لذت ببریم؟ و در نهایت پورنوگرافی چه چیزی برای ما دارد جز اینکه ما را به سخره بگیرد؟ در جواب تمام سوالات و یافتن یک راه غلبه بر این صنعت تخریب کننده اخلاقیات و عقاید باید این نکته را بدانیم که چون پورنوگرافی از دل نظام استثمارگر سرمایه‌داری بیرون می‌آید، اساساً ژانری محافظه‌کار است و ژانری نیست که همه چیز در آن آزاد باشد، بلکه اتفاقاً ژانری است که بر اساس ممانعت‌های ساختاری ساخته شده است. در پورنوگرافی ما از یک آستانه عبور می‌کنیم، شما می‌توانید همه چیز را ببینید، کلوز آپ‌ها و غیره... اما بهایی که برای چنین دیدنی پرداخت می‌کنید، این است که شما روایتی را می‌بینید که فعالیت جنسی را توجیه می‌کند، روایتی که جدی نیست، اساساً نمی‌توان از فیلم‌نامه‌نویس‌های

مربوط به وب سایت‌های پورنوگرافی است و در هر ثانیه ۳۰۷۵۶۴ دلار جهت مشاهده موارد در اینترنت صرف می‌شود و در هر ثانیه ۲۸۲۵۸ نفر در حال تماشای پورنوگرافی هستند و در آمریکا در هر ۳۹ دقیقه یک ویدئو پورنوگرافی تولید می‌شود. اما در کشور ما این موضوع حادث‌تر و نگران‌کننده‌تر است و نیاز به توجه بیشتری دارد. نوربخشی و مولایی در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای تحت عنوان «هرزه‌نگاری اینترنتی در ایران و نقش خانواده در کنترل آن» به این نتیجه رسیدند که بیش از یک سوم کلماتی که به فارسی بیشترین جستجوی اینترنتی را داشته‌اند کلماتی مربوط به پورنوگرافی بوده که رقم چشمگیری است. همچنین طی آماري در همین مقاله سرچ کلمه «سکس» به زبان انگلیسی از طرف ایرانیان، ایران در بین ده کشور اول دنیا قرار دارد.

اما با توجه به آمارهای ذکر شده چه مربوط به دنیا و چه در کشور خودمان چرا باید مصرف این کالاهای





گروه فرهنگی چرخه - تاسیس ۱۸ آبان ماه ۱۳۹۷



روزهای عزاداری ابا عبدالله را به همه شیعیان و حق طلبان  
گیتی تسلیت عرض می کنیم.